



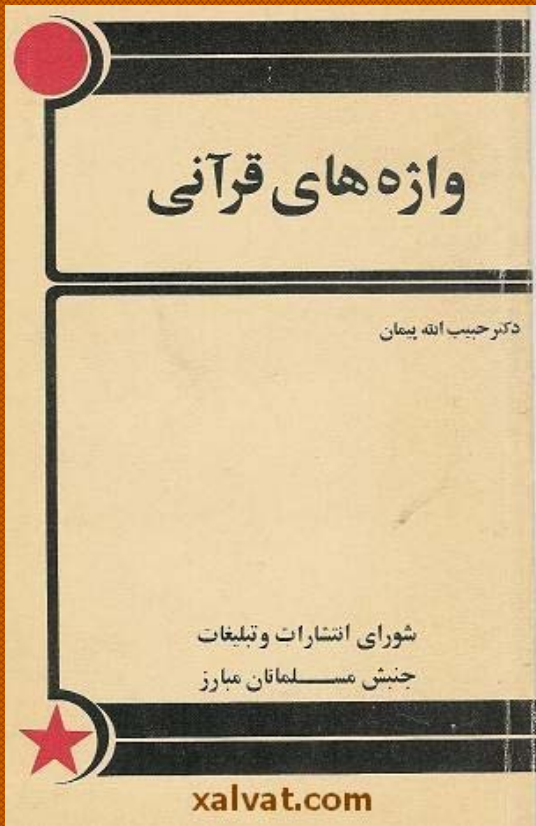
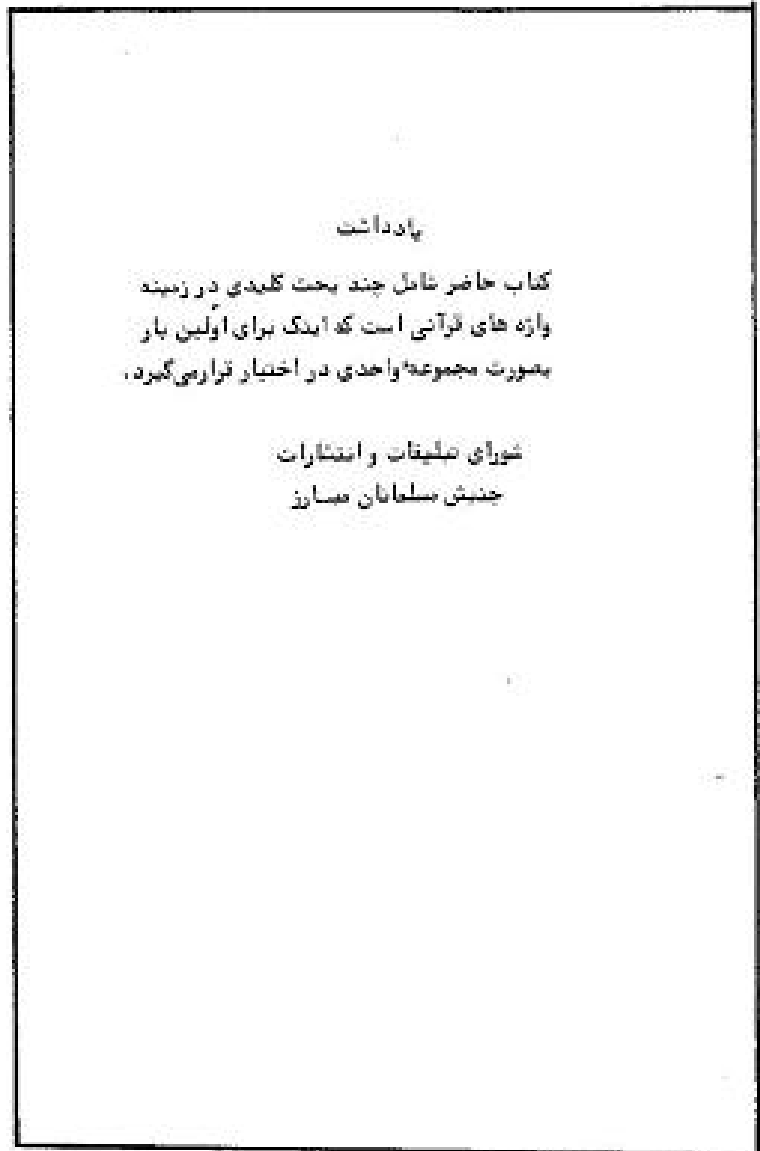
۴۷۱

برچیده های م. ایل بیگی از : " واژه های قرآنی "



نوشته: حبيب الله پيمان

چاپ اول ، بهمن ماه ۱۳۵۸ ، شورای تبلیغات و انتشارات جنبش مسلمانان مبارز ، در ۷۸ صفحه
[تمام گروه ها از منست .]





◀ قرآن منبع اصلی و پایه و اساس مکتب فکری (جهان بینی و ایدئولوژی) ماست . تعالیم قرآن ، قانون اساسی نظام توحیدی [و جمهوری یا قابل فهم تر ؛ حکومت اسلامی ؟ یعنی تمام انواع و اقسام " اسلامیون " فشری ، " متمدن " ، " نان خور به نرخ روز " به یک راه : قانون اساسی ایران باید ، و یعنی ، " قرآن "] و سرچشمه معرفت و هادی و رهگشای ما در حیات فردی و اجتماعی است . [...] پیام قرآن برای مردم است و قرآن حاوی همه آموزشها و معرفت های اساسی است [خط کشی زیر کلمات ، از من] که هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی بدان نیازمند است .
ص ۱

◀ امت :

از ریشه " ام " به معنای قصد کردن است و امت جماعتی از انسانهاست که در این قصد و هدف مشترک هستند . از این کلمه ، مفاهیم نزدیک و وابسته بیکدیگری چون ، پیش رو ، حرکت به جلو ، پیشوائی وحدت و اشتراک راه و اشتراک هدف - جماعت ، همراه ، اخذ میگردد .
در قرآن در بیش از شصت مورد این کلمه بطور مفرد یا جمع بکار رفته است .
پیوند مشترک بین افرادی که تشکیل امت می دهند ، جنبه فکری و هدفی دارد ، عوامل دیگری چون نژاد ، خون ، رنگ و زبان و حتی سرزمین در نظر گرفته نشده است . [...]
قرآن بهر نوع اجتماع انسانی امت نمی گوید - وجه تمایز مفهوم امت از سایر مفاهیمی که بر جمع افراد اطلاق میشود ، همان مقصد و راه مشترکی است که افراد را به هم پیوند می دهد .
ص ۲

◀ مفهوم امت با ملت و قوم و هراجتماع دیگر انسانی این فرق اساسی را دارد که وحدت در راه و سرنوشت در آن الزامی است - ممکن است ملتی به امت های مختلفی تقسیم شود - هر گروه که از یک ملت و یا قوم که در راه و مسیر مشترکی گام برمی دارند و رو بسوی هدف واحدی دارند - یک امت هستند .
ص ۳



◀ [...] امت همه کسانی را که دریک مرز مشترک جغرافیائی- سیاسی بسر می برند ویا بیک زبان صحبت می کنند و یا دارای وحدت نژادی وقومی یا خونی هستند دربرنمی گیرد بلکه تنها مردمی را شامل است که دارای عقیده و طرز فکر و هدف وراه مشترک و واحدی هستند . [**مارکس** برو کشگت را یساو که قرآن پیمان پیش تر از تو تمام این " همبستگی های بین المللی " را یافته است و صدالبته که آقای پیمان که عادت به جز خواندن تنها قرآن را دارد ، هرگز نوشته ها (ونمی گویم ؛) کتابهای ترا نخوانده است !]

ص ۴

◀ [...] امت مفهومی نزدیک به یک حزب پیدامی کند [،] درحقیقت یک حزب است متشکل از افرادی همفکر و هم عقیده و با مسئولیت مشترک و مبارز و درحال قیام و پیکلر برای پیشبرد یک هدف معین . هرامتی همانند [گوسفندان و اسبان و شتران] کاروان به پیشوا و رهبری محتاج است .

ص ۶

◀ امامت :

امامت به معنای پیشوائی و تقدم درهرامری است . پیشوا ورهبراست که مردم را بسوی هدفی خاص هدایت میکند . از ریشهء " ام " بمعنای قصدکردن و به سوی چیزی رو آوردن . امام نمونه و سرمشقی است که از آن پیروی میشود . پس اعم از شخص است . کتاب هم میتواند امام شود یعنی سرمشق و راهنما قرارگیرد امام راهنما پیشوا بسوی هر نوع هدفی است ، خوب یا بد . [" رجال امام " از بدان بود ، یا از خوبان ؟]

ص ۱۸

◀ [...] هدف امامت پیش بردن [و غلطاندن] افراد یک گروه بسوی هدفی درآینده [که چهارده قرن پیش ازاین وجود داشت] است . هدایت متضمن تغییر و تحول در شخصیت افراد [و بی شخصیت سازی کامل آنان] است .

ص ۱۹

◀ چه کسی امام می شود ؟

کسی که به تمام معنا و درتمامی ابعاد نمونه کامل انسانی باشد ، که امت را بسوی آن دعوت و رهبری می کند .

اگرهدف رهبری بسوی الله باشد امام ناچارباید انسان متعالی ، واگرمنزلگاه آتش باشد ، امام نمونهء یک انسان دوزخی است .

ص ۲۳

◀ آیا هرکسی می تواند به مقام امامت برسد ؟

مردم کسی را به رهبری میگیرند که نزدیکی و قرابتی بین خود واو [" ایشان " ؟] احساس بکنند [.] اگر همانند شدن با او را غیرممکن بدانند رهاپیش میکنند [؛] ممکن است او را دوست بدارند و ستایش کنند اما تقلیدش نمیکنند [-] او را سرمشق قرار نمیدهند .

ص ۲۶



انسان

کلمه انسان ۶۵ بار در قرآن تکرار شده است . تعابیر دیگری که به انسان یا خلعت وی مربوط میشود عبارتند از : بنی آدم و بشر .

تعبیر بشر برای معرفی و بیان جنبه جسمانی و ساختمان بدنی انسان بکار میرود . بشر را ظاهراً پوست بدن معنا کرده اند و لذا هر جا بکاررفته است [،] مراد از آن بیشتر خصوصیات جسمانی انسان بوده است .
ص ۳۸

انسان پیش از آنکه "انسان" باشد "بشر" است [؛] موجودی که در خصوصیات جسمانی وانگیزه ها و احتیاجات بدنی تفاوت کیفی چندان بادیگر حیوانات ندارد [...ص ۳۹] بشر وقتی انسان می شود که استعدادهای تازه ای در پرتو روح الهی بدست آورده است .
صص ۳۹-۴۰

شیطان :

هر عاملی چون فقر- ترس - جهل - غفلت - ظلم ... که انسان را از حرکت تکاملی بسوی خدا بازدارد شیطانی است

شیطان که در مواردی ابلیس هم خوانده شده است [،] در ردیف ملائک آمده و همانند آنها از نیروها و کارگزاران امر خدا در طبیعت و جهان هستی می باشد . [...] شیطان مظهر استکبار و عامل استضعاف در حیات انسان و تاریخ بشر است . شیطان برخلاف سایر فرشتگان که در برابر انسان به سجده افتادند ، کبر ورزید و خود را برتر دانست [...] بعدها مستکبران بزرگ تاریخ همه خود را به گونه ای از نژاد ، خون ، اصل و نسب و جنس برتر شمردند .
ص ۵۹

تاریخ سراسر نزاع حق و باطل است

سراسر تاریخ بشر در اصل جز جنگ دائمی حق و باطل ، شیطان و انسان نیست - و انسانها به دو جبهه تقسیم م شوند و در دو حزب قرار دارند [؛] حزب شیطان و حزب خدا - و هر کس خواه ناخواه در این یا آن جبهه ، یا حزب قرار دارد - حتی اگر خود نخواهد و نداند .
ص ۷۷